

دعا و روح نیایش

مجموعه‌ای از منتخبات نصوص مبارکه حضرت بهاء‌الله، حضرت اعلی، و حضرت عبدالبهاء و توقیعات حضرت ولی‌امرالله و دستخط‌های بیت العدل اعظم

تهیه شده توسط دایره مطالعه نصوص و الواح

فوریه ۲۰۱۹

ترجمه دستخط‌های صادره به زبان انگلیسی
توسط هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی انجام شده است

* * *

* * *

قوة دعا

ارتباط با خداوند

روح و طرز عبادت

نقش تعمق و تأمل

عبادت، تعمق و تأمل، و عمل

صلوة

خصلت نیایش و عبادت در جامعه بهائی

ملاحظات دیگر

دعا و شفا

اهمیت حفظ نمودن آثار

مرکز توجه در عبادات

بیانات دیگر

* * *

قوة دعا

اسألك ... بأن تجعل صلوتي ناراً لتحرق حجبتي التي منعتني عن مشاهدة جمالك و نوراً يدلني الى بحر وصالك.

[۱] (مجموعه‌ای از اذکار و ادعیه حضرت بهاء‌الله، شماره ۱۸۳)

کلّ ما يخرج من فمه أنّه لمحیی الأبدان لو انتم من العارفين.

[۲] (منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۷۴)

ان اقرأ يا عبد ما وصل اليك من آثار الله ربوات المقرّين لتستجذب بها نفسك و تستجذب من نعماتك افئدة الخلائق اجمعين و من يقرأ آيات الله في بيته وحده لينشر نفحاتها ملائكة التّأثيرات الى كلّ الجهات و ينقلب بها كلّ نفس سليم ولو لن يستشعر في نفسه ولكن يظهر عليه هذا الفضل في يوم من الأيام كذلك قدّر خفّيات الأمر من لدن مقدّر حكيم.

[۳] (منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، شماره ۱۳۶)

اگر زندگانی باقی خواهی نفحه الهی بمشام آر و اگر حیات جاودانی جوئی در ظلّ کلمه الهی درآ.

[۴] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

کلمه الهیه چون نسیم بهاری و اریاح لواقع رحمانیست لکن چون این از حنجر روحانی تلاوت شود روح حیات نثار نماید و جان نجات مبذول دارد ارض طیبه را گلشن و گلزار نماید و آفاق وجود را عنبربار.

[۵] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

هر لوحی از مناجات مبارک بتوجّه و تضرّع و تبثّل بخوانی حاجت مستجاب گردد.

[۶] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

... هیکل مبارک [حضرت عبدالبهاء] که چنین رسالت عظیمی را برای جهان به عهده آنان [احبای امریکای شمالی] گذاشتند منتظرند و صبورانه منتظرند که نفوس قائم به خدمت در تاستان الهی، متوجّه متضرّعاً از آستان قادر متعال طالب هدایت و اعانت شوند، هدایت و اعانتی که به تنهایی می‌تواند آنان را قادر سازد تا نقشه ملکوتی‌اش برای این عالم را اجرا نمایند.

(ترجمه‌ای از توقیع مورّخ ۷ ژانویه ۱۹۲۳ حضرت شوقی افندی خطاب به جامعه بهائی در پاسادینا،

[۷] کالیفرنیا)

اگر بیانات حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء را در نهایت خلوص و دقت مطالعه و در آن تعمق و تفکر نمایید به حقایقی پی خواهید برد که قبلاً برای شما مجهول بوده است و بینش به مسائلی کسب خواهید کرد که متفکرین بزرگ جهان از حلّ آن درمانده‌اند.

(ترجمه‌ای از دستخط حضرت شوقی افندی، ضمیمه نامه مورّخ ۳۰ ژانویه ۱۹۲۵ صادره از جانب آن

[۸] حضرت خطاب به یکی از احبّا)

لهذا حضرت ولی‌امرالله می‌خواهند که شما به درگاه حضرت کبریا مناجات و تضرّع نمایید تا مشمول نهایت فضل و عنایاتش گردید؛ که از این طریق، قوای روحانی‌تان حیاتی تازه یابد و شما هر چه بیشتر ملهم به آن روحی گردید که می‌باید

محرّک، مؤیّد، و حامی هر مؤمن صدیق و راستین امر الهی باشد.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۱۳ مارس ۱۹۳۴ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء) [۹]

حضرت ولی‌امرالله مجدّداً به شما اطمینان می‌دهند که در اعتاب مقدّسه برای ترقّی روحانی شما دعا خواهند نمود. قدرت خداوند می‌تواند خصایص اخلاقی ما را کلاً تقلیب نماید و از ما انسان‌هایی کاملاً متفاوت از آنچه قبلاً بوده‌ایم بسازد. از طریق دعا و مناجات، و اطاعت از احکام منزله از قلم حضرت بهاءالله و خدمت روزافزون به امر الله، می‌توانیم خود را تغییر دهیم.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۲ نوامبر ۱۹۴۱ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء) [۱۰]

همانطور که همه می‌دانیم، احبّای الهی باید جهد نمایند تا در رفتار و زندگی شخصی خود چنان نمونه‌ای ارائه دهند که دیگران خود راغب به پذیرش آیینی گردند که سبب تقلیب و اصلاح اخلاق انسانی می‌شود. امّا متأسّفانه هر کسی به آسانی و به سرعت بر نفس غلبه نمی‌یابد. آنچه هر فرد مؤمن، اعمّ از قدیم یا جدید، باید به آن واقف باشد اینست که امر الهی قوای روحانی لازم را برای تقلیب ما به خلقی بدیع دارد به شرط اینکه ما بکوشیم و اجازه دهیم که آن قوا ما را تحت تأثیر قرار دهد و بزرگ‌ترین مساعدت در این راه دعا و مناجات است. ما باید از حضرت بهاءالله خاضعانه طلب نماییم تا کمک و تأیید فرمایند که به رفع نقایص اخلاقی خود پردازیم و همچنین نیروی ارادهٔ خود را برای تسلّط بر نفس به کار ببریم.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۷ ژانویه ۱۹۴۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء) [۱۱]

هیكل مبارک توصیه می‌فرمایند که همه شما با تلاوت ادعیّه مخصوص از خداوند بخواهید که نفوس مستعدّه‌ای را به سوی شما بفرستد تا آنها را تبلیغ کنید. دعا و مناجات ابوابی را باز می‌کند که به نظر غیر قابل گشایش می‌آید.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۸ ژوئن ۱۹۴۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء) [۱۲]

حضرت ولی‌امرالله توصیه می‌فرمایند که به درگاه حضرت بهاءالله روزانه دعا نمایید تا شما را به ملاقات یک نفس که مستعدّ دریافت پیام آن حضرت است موفّق فرماید. قوّه دعا بسیار عظیم و جاذب تأییدات الهی است.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۳۰ سپتامبر ۱۹۵۱ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از

احبّاء) [۱۳]

حضرت بهاءالله و حضرت ربّ اعلی، دو مظهر ظهور الهی در این عصر نورانی در باره دعا و مناجات چنین آموزش می‌دهند: دعا و مناجات گفتگویی است مستقیم و بدون واسطه بین روح بشر و خالق او؛ به منزله غذای روح است و باعث تداوم حیات روحانی؛ هم‌چون شبنم صبحگاهی موجب طراوت و لطافت قلوب می‌گردد و روان را از تعلّقات نفس اماره پاک و منزّه می‌سازد؛ ناری است که حجبات را می‌سوزاند و نوری است که انسان را به سوی پروردگار می‌کشاند؛ موجد قوّتی است روحانی که پرنده روح را با بال و پر خود در فضای نامتناهی الهی به پرواز درآورده به قریب درگاه احدیّت فائز می‌نماید. آنچه موجب پرورش قابلیت‌های نامحدود روح و سبب جلب تأییدات الهی می‌گردد کیفیت نیایش است و تطویل آن محبوب نبوده و نیست.

(پیام مورّخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴ بیت العدل اعظم خطاب به احبّای ایران) [۱۴]

ارتباط با خداوند

اتلوا آیات الله في كلّ صباح و مساء انّ الذي لم يتل لم يوف بعهد الله و ميثاقه و الذي اعرض عنها اليوم انه ممّن اعرض عن الله في ازل الآزال اتقنّ الله يا عبادى كلّكم اجمعون لا تغرّبكم كثرة القراءة و الأعمال في اللّيل و النهار لو يقرأ احد آية من الآيات بالروح و الرّيحان خير له من ان يتلو بالكسالة صحف الله المهيمن القيوم اتلوا آیات الله على قدر لا تأخذكم الكسالة و الأحزان لا تحملوا على الأرواح ما يكسلها و يثقلها بل ما يخفّفها لتطير بأجنحة الآيات الى مطلع البينات هذا اقرب الى الله لو انتم تعقلون.

[۱۵]

(كتاب اقدس، بند ۱۴۹)

ای ربّ طهر اذنی لاستماع آیاتک و نور قلبی بنور عرفانک ثمّ انطق لسانی بذکرک و ثنائک فوعزّیک یا الهی لا احبّ سواک و لا اريد دونک.

[۱۶]

(مجموعه‌ای از اذکار و ادعیه حضرت بهاءالله، شماره ۸۴)

در ابکار بذکر جمال مختار مشغول باش و در اسحار بیادش مانوس ای علی ذکرم شفای قلوب و ضیاء صدور بوده و خواهد بود.

[۱۷]

(از الواح حضرت بهاءالله)

یا مضرم النّار فی صدر البهّاء و مظهر النّور فی قلب البهّاء اشکرک بما علّمت عبادک ذکرک و سبل مناجاتک من لسانک الاقدس الاعلی و بیانک الاعزّ الاسنی لو لا اذنک من یقدر ان یصفک بالعرّ و الکبریّاء و لو لا تعلیمک من یعرف سبل الرّضاء فی ملکوت الانشاء.

[۱۸]

(مجموعه‌ای از اذکار و ادعیه حضرت بهاءالله، شماره ۱۷۶)

ای ربّ فاجعل صلوتی کوثر الحیوان لیبقی به ذاتی بدوام سلطنتک و یذکرک فی کلّ عالم من عوالمک.

[۱۹]

(مجموعه‌ای از اذکار و ادعیه حضرت بهاءالله، شماره ۱۸۳)

یا ابن النّور انس دونی و آنس بروحی هذا من جوهر امری فأقبل الیه.

[۲۰]

(کلمات مکنونه عربی، شماره ۱۶)

ای پسر عزّ در سبیل قدس چالاک شو و بر افلاک انس قدم گذار قلب را بصیقل روح پاک کن و آهنگ ساحت لولاک نما.

[۲۱]

(کلمات مکنونه فارسی، شماره ۸)

سبحانک تقدّست نفسک عن وصف ما سواک لأنّهم لا یعرفون حقّ وصفیتک و لا یدرکون کنه ذاتیتک انت الاجلّ من ان توصف بخلقک او ان تعرف بغيرک عرفتك یا الهی بما تعرفنی نفسک ولولا تعریفک ما عرفتك و عبدتك بما تدعونی الیک ولولا دعوتک ما عبدتك.

[۲۲]

(منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی)

ذکر الهی چون باران و شبنم است که گل و ریاحین را طراوت بخشد و لطافت دهد و سبز و خرم کند و لطیف و بدیع گرداند و تری الأرض هامدة و اذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربت و انبت من کلّ زوج بهیج' پس شب و روز بذکر الهی مشغول گرد تا طراوت بی‌منتها یابی و لطافت بی‌پایان حاصل کنی.

[۲۳] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

فیلیق للعبد الدّعاء و الاستمداد من الله و التّضرّع و الابتهاال الیه هذا شأن العبودیّة و الرّبّ یقدّر ما یشاء بحکمته البالغة.

[۲۴] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

الحمد لله قلبت متذکّر بذکر الهی و روح مستبشر ببشارات الله است و مشغول بمناجاتی حالت مناجات بهترین حالات است زیرا انسان با خدا الفت مینماید علی‌الخصوص مناجات در خلوات در اوقات فراغت مثل نیمه شب فی الحقیقه مناجات روح می‌بخشد.

[۲۵] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۱۷۲)

باید جهد و تلاش نماییم که با انقطاع از همه چیز و از همه کس و فقط با توجّه به خداوند به آن حالت روحانی دست یابیم. وصول به این حالت مستلزم کوشش است ولی انسان باید برای رسیدن به آن سعی نماید. ما می‌توانیم با فکر و توجّه کمتر به مادیّات و تمرکز بیشتر به روحانیّات به آن دست یابیم. هر قدر از یکی از این دو دورتر شویم به دیگری نزدیک‌تر خواهیم شد. انتخاب بر عهده ما است.

ادراک روحانی و بینش درونی ما باید شکوفا گردد تا بتوانیم در هر چیزی آیات و فیوضات الهی را مشاهده نماییم. هر چیزی می‌تواند نور الهی را برای ما منعکس کند.

[۲۶] (ترجمه‌ای از بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در کتاب بهاءالله و عصر جدید که اصل آن موجود نیست)

اعلمی أنّ شأن الضعیف ان یتهلّی القویّ و یلیق للمستفیض ان یتضرّع الی الفیاض الجلیل و اذا ناجا ربّه و توجّه الیه و استفاض من بحرہ فنفس هذا التضرّع نور لقلبه و جلاء لبصره و حیاة لروحه و علوّ لکینونته.

[۲۷] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

انسان در متعالی‌ترین شکل نیایش خود فقط به منظور ابراز عشق و محبت به حضرت یزدان دعا می‌کند نه به خاطر ترس از او یا بیم از جهنم و یا امید به پاداش و یا بهشت.... فرد عاشق به سختی می‌تواند از ذکر نام معشوق خود دم فرو بندد. پس وقتی نفسی مفتون محبت الله باشد چقدر دشوارتر است که از ذکر اسم حضرت پروردگار خودداری نماید.... فرد منجذب به ملکوت الهی در هیچ چیز جز راز و نیاز به حضرت پروردگار لذت و سرور نمی‌یابد.

[۲۸] (ترجمه‌ای از بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در کتاب بهاءالله و عصر جدید که اصل آن موجود نیست)

وقتی با تمام وجود به خداوند توجّه می‌نماییم و اسم مبارکش را ملتسمانه به زبان می‌آوریم ارتباطی روحانی برقرار می‌شود که از آن طریق ما واسطه فیض الهی می‌شویم.

[۲۹] (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۹ اکتبر ۱۹۲۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء)

روح و طرز عبادت

و احبّ صلوات صلواتی است که از روی روح و ریحان شود و تطویل محبوب نبوده و نیست و هر چه مجرد و جوهرتر باشد عند الله محبوبتر بوده و هست.

[۳۰] (منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی)

اینکه امر شده ذکر سرّ از برای آن است که مراقب بذكر الله باشی که قلب تو همیشه حیوان باشد که از محبوب خود محتجب نمائی نه اینکه بلسان ذکر بخوانی و قلب تو متوجّه نباشد بذروه قدس و محلّ انس لعلّ اگر واقع شوی در یوم قیامت مرءات قلب تو مقابل باشد شمس حقیقت را که اگر مشرق شود فی الحین تعاکس بهمرساند زیرا که او است مبدء هر خیر و باو راجع میشود کلّ امر و اگر آن ظاهر شود و تو همیشه در ذکر نفس خود باشی ثمر نمیبخشد تو را الا آنکه بذکر او ذکر کنی او را که او است ذکر الله در آنظهور زیرا که آن ذکریکه میکنی بواسطه امر نقطه بیان است و آنظهور کینونیت نقطه بیان است در آخرت که بما لا نهایه الی ما لا نهایه اقوی است از ظهور اولای آن.

[۳۱] (منتخبات آیات از آثار حضرت نقطه اولی)

هر کس منفرداً باید نماز بخواند اما اگر ترتیل مناجات مجتمعاً باهنگ خوشی مؤثر نمایند بسیار خوبست.

[۳۲] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

سادگی که خصیصه ادای ادعیه بهائی است، اعمّ از نماز و غیره، باید حفظ شود. از انعطاف ناپذیری و تشریفات مذهبی باید اکیداً احتراز جست.

(ترجمه‌ای از دستخطّ حضرت شوقی افندی، ضمیمه نامه مورّخ ۳۰ اکتبر ۱۹۳۶ صادره از جانب آن

[۳۳] حضرت خطاب به یکی از احبّا)

حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند "شخص عابد باید با روحی منقطع، تسلیم و رضایی محض، توجّهی شدید و توأم با تضرّعی روحانی به عبادت پردازد.... عبادت بر حسب عادت و تشریفات که بر اعماق قلب تأثیر نگذارد بی فایده است."

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۹ اکتبر ۱۹۲۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۳۴]

در مورد تلاوت الواح با صوت در مشرق‌الاذکار، حضرت شوقی افندی مایلند به احبّا توصیه فرمایند که از هرگونه انعطاف ناپذیری و یکسانی در مسائل عبادتی اجتناب نمایند. خواندن مناجات‌ها به زبان‌های شرقی چه بدون صوت و چه با صوت بلامانع است ولی در عین حال خواندن این نوع مناجات‌ها در مراسم دعا در تالار اجتماعات مشرق‌الاذکار ابداً الزامی نیست. این روش نه باید ضروری تلقی شود و نه ممنوع. نکته مهمّی که باید همیشه به خاطر داشت آنست که به استثنای نمازهای مشخص، حضرت بهاءالله هیچگونه دستور صریح و خاصّی در مسائل مربوط به نیایش و عبادت چه در مشرق‌الاذکار و چه در اماکن دیگر صادر نفرموده‌اند. دعا و مناجات اصولاً ارتباطی است بین انسان و خداوند و به این ترتیب فراتر از کلیّه رسوم و مناسک است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۵ ژوئن ۱۹۳۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به محفل روحانی

[۳۵] ملّی ایالات متّحده و کانادا)

مؤمنین می‌توانند ادعیه یومیه را، به استثنای دعا‌های مخصوص مثل «نماز»، به هر سبک و روشی که مایلند تلاوت نمایند. یکسانی در تلاوت این قبیل مناجات‌ها نباید تحت هیچ شرایطی بر احبّاً تحمیل گردد. عبادت‌کننده باید کاملاً آزاد باشد که به نحو دل‌خواه خود به دعا و مناجات پردازد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۶ ژوئیه ۱۹۳۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاً) [۳۶]

حضرت ولی‌امرالّله بسیار خوشنودند که تجربیات روحانی خود را با ایشان مطرح کرده‌اید. ولی هیکل مبارک به شما تأکید می‌نماید که در اوقات تعمّق و تأمل و دعا همیشه بیانات نازلّه حضرت بهاء‌اللّه و حضرت مولی‌الوری را مورد مطالعه و استفاده قرار دهید.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۶ دسامبر ۱۹۳۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاً) [۳۷]

عابد حقیقی باید هنگام راز و نیاز جهد نماید تا تحقّق آمال و امیال خود را از پروردگار چندان مسئلت ننماید بلکه خواسته‌های خود را بر وفق اراده الهی تعدیل نماید. فقط با این شیوه و روش است که فرد می‌تواند به آن حالت از اطمینان قلب و رضا که تنها به قوّه دعا حاصل می‌شود نائل گردد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۶ اکتبر ۱۹۳۸ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاً) [۳۸]

حضرت ولی‌امرالّله معتقدند که تأکید بیشتری باید بر اهمّیت و قوّه دعا و مناجات از جمله ذکر اسم اعظم نمود ولی نه بیش از حدّ. آنچه مهمّ است روح کلام است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۶ مارس ۱۹۴۶ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاً) [۳۹]

نماز را هر نفسی باید فرداً برای خود تلاوت نماید و نحوه ادای آن چه با صدای بلند و چه با سکوت فرقی نمی‌کند. به جز نماز میّت، نماز جماعت دیگری نداریم. ما دعای شفا و دیگر ادعیه را در جلسات عمومی تلاوت می‌کنیم ولی نماز وظیفه‌ای فردی است لذا تلاوت آن توسط فردی دیگر با ادای آن توسط خود فرد کاملاً یکی نیست.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۳۱ ژانویه ۱۹۴۹ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاً) [۴۰]

قدرت نهفته در دعا و مناجات وقتی ظاهر می‌شود که انگیزه اصلی آن محبّت اللّه باشد؛ از ترس، توقّع، تظاهر و خرافات به دور بوده با صداقت و پاکی دل تلاوت شود تا موجب تعمّق و تأمل و سرانجام شکوفایی عقل و خرد انسانی گردد. چنین نیایش بی‌آلایشی از محدوده حروف و کلمات بگذرد و از اصوات و نغمات فراتر رود؛ حلاوت نغمه و آهنگش شادی آفریند، قلوب را به اهتزاز آرد، بر نفوذ کلمات بیفزاید، تمایلات دنیوی را به صفاتی ملکوتی تبدیل نماید و محرّک خدمات خالصانه به عالم انسانی گردد.

(پیام مورّخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴ بیت العدل اعظم خطاب به احبّای ایران) [۴۱]

نقش تعمّق و تأمل

فکر فیما القیناک لتعرف مراد اللّه ربّک و ربّ العالمین و فیه کنز اسرار الحکمة.

(منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌اللّه، شماره ۷۹) [۴۲]

حضرت بهاءالله می‌فرماید که در هر پدیده‌ای نشانی (از خداوند) وجود دارد: نشان عقل تفکر و نشان تفکر سکوت است چه که ممکن نیست یک فرد دو چیز را هم‌زمان انجام دهد — او نمی‌تواند هم صحبت کند و هم به تعمق و تأمل پردازد.

امری بدیهی است که در هنگام تعمق و تأمل شما با روح خود صحبت می‌کنید. در آن حالت شما سؤالاتی را با روح خود مطرح می‌کنید و روح پاسخ می‌دهد: نور ساطع و حقیقت ظاهر می‌شود.

عنوان “انسان” را شما نمی‌توانید در باره موجودی که عاری از قدرت تعمق و تأمل باشد به کار برید. موجود فاقد این قوه حیوان محض و مادون وحوش خواهد بود.

از طریق قوه تعمق و تأمل انسان به حیات ابدی نائل می‌شود، از نفثات روح القدس نصیب می‌برد — مواهب روح القدس در تعمق و تأمل عنایت می‌شود.

روح انسانی در حین تعمق و تأمل آگاه و قوی می‌شود، از آن طریق اموری که بر انسان مجهول بود معلوم می‌گردد، از آن طریق انسان الهامات روحانی دریافت می‌کند. از آن طریق انسان از مائده آسمانی بهره‌مند می‌شود.

تعمق و تأمل مفتاح ابواب اسرار است. در آن حالت انسان منتزع می‌شود: در آن حالت انسان خود را از تعلقات دنیوی فارغ می‌کند، در آن کیفیت انسان غرق بحر حیات روحانی گشته می‌تواند اسرار اشیا را کشف نماید برای روشن شدن این موضوع، انسان را موجودی با دو نوع بینش تصور کنید: وقتی قوه بصیرت در حال کار کردن است قوه باصره ظاهری بینایی مشاهده نمی‌کند.

این قوه تعمق انسان را از طبیعت حیوانی آزاد می‌نماید، حقایق اشیا را کشف می‌کند و انسان را به پروردگار مرتبط می‌سازد.

این قوه، علوم و هنر را از حیر غیب به عرصه شهود می‌آورد. از طریق قوه تعمق و تأمل اختراعات ممکن می‌شود، مشروعات عظیمه اجرا می‌گردد؛ از طریق این قوه دولت‌ها می‌توانند به آسانی انجام وظیفه نمایند. از طریق این قوه، انسان به ملکوت الهی داخل می‌شود.

معذلتک بعضی افکار برای انسان بی‌فایده است مانند امواجی که بپهوده در سطح دریا در حرکتند. ولیکن اگر قوه تعمق و تأمل مستغرق در انوار درونی شود و به خصایص الهی ممتاز گردد با توفیق قرین خواهد بود.

قوه تعمق و تأمل بمنزله آینه است اگر آن را مقابل اشیای دنیوی قرار دهیم همان اشیا را منعکس خواهد کرد. بنا بر این اگر روح انسان به امور دنیوی فکر کند از آنها آگاهی خواهد یافت.

ولی اگر آینه روح را به سوی ملکوت الهی بگردانید در این صورت نجوم عالم ملکوت و اشعه شمس حقیقت در

قلوب‌تان منعکس خواهد شد و کسب خصایل ملکوتی حاصل خواهد شد.

پس شایسته و سزاوار آنکه این قوه را در جهت صحیحی قرار دهیم — آن را متوجه به شمس حقیقت نماییم نه اشیای دنیوی — تا به اسرار ملکوت پی بریم و به استعارات انجیل و به اسرار روح واقف شویم.

تا بلکه مرایای صافیه برای انعکاس حقایق ملکوتی گردیم و بلکه آینه‌هایی چنان پاک و شفاف شویم که نجوم ملکوت را منعکس سازیم.

(ترجمه‌ای از خطابه حضرت عبداله‌اء در پاریس، ۱۹۱۲-۱۹۱۱ که اصل آن به فارسی موجود نیست) [۴۳]

... البتّه اهل بهاء نه تنها می‌توانند بلکه می‌بایست در باره اهمّیت آثار مبارکه تعمّق و تأمل کرده جهد نمایند تا حتّی‌الامکان معانی آن را دریابند. هیچگونه اعتراضی در این مورد نمی‌تواند وجود داشته باشد. ولی بعضی مطالب به علّت ماهیّت‌شان حدّ اقلّ در مرحله کنونی تکامل‌مان، برای ما معمای است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۴ ژانویه ۱۹۴۲ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۴۴]

در باره تعمّق و تأمل: این نیز از جمله مواردی است که فرد آزاد است. در آثار الهی هیچ نحوه مشخصی برای تعمّق و تأمل مقرر نشده و بدین ترتیب شیوه‌ای برای تکامل باطنی انسان نداریم. یاران الهی نه تنها مؤکداً تشویق بلکه موظّف به تلاوت دعا و مناجات گردیده‌اند و همچنین باید به تعمّق و تأمل نیز پردازند ولی نحوه آن کاملاً به افراد واگذار شده است.

...

ماهیّت الهامات حاصله از طریق تعمّق و تأمل آنچنان است که قابل سنجش و محاسبه نیست. حضرت پروردگار، اگر اراده نماید، قادر است آنچه را که قبلاً از آن ناآگاه بوده‌ایم به ذهن ما الهام بخشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۵ ژانویه ۱۹۴۳ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۴۵]

از طریق تعمّق و تأمل، ابواب الهام و دانش عمیق‌تری می‌تواند مفتوح گردد. وقتی فرد بهائی به تعمّق پردازد طبیعتاً به مبدأ مرتبط می‌گردد؛ وقتی فردی خداپرست به تعمّق و تأمل پردازد به قدرت و رحمت الهی توجه می‌نماید؛ ولی نمی‌توان گفت هر الهامی که فردی که نه حضرت بهاءالله را می‌شناسد و نه به خدا معتقد است دریافت می‌کند صرفاً ناشی از نفس امّاره اوست. تعمّق و تأمل بسیار مهم است و حضرت ولی‌امرالّله دلیلی نمی‌بیند که تعمّق و تأمل نباید به احبّا آموخته شود ولی باید مراقب بود که با خرافات و یا افکار واهی ممزوج نگردد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۹ نوامبر ۱۹۴۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۴۶]

[حضرت ولی‌امرالّله] معتقدند که حکیمان‌تر آنست که اهل بهاء از ادعیه و تعمّقات نازله حضرت بهاءالله استفاده نمایند نه از هر روش تعمّق و تأمل توصیه شده توسط دیگران؛ ولی احبّا را در این جزئیات باید آزاد گذاشت تا بتوانند با آزادی عمل میزان ارتباط خود با خداوند را دریابند.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۷ ژانویه ۱۹۵۲ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۴۷]

عبادت، تعمق و تأمل، و عمل

توجه بخدا کنید مناجات کنید نماز کنید بکوشید بلکه عمل خیری از شماها ظاهر شود هر فقیری را سبب غنا شوید هر افتاده‌ئیرا دستگیر گردید هر محزونی را سبب چاره شوید هر غریبی را ملجأ و پناه باشید هر بیسر و سامانی را مأوی و منزل باشید.

[۴۸] (از خطابات حضرت عبدالبهاء)

یا امة الله رتلی کلمات الله متمنّنة فی معانیها ساعیة فی العمل بما فیها و انّی اسأل الله ان يجعل لك مقاماً رفیعاً فی ملکوت الحیاة الی ابد الآباد.

[۴۹] (از الواح حضرت عبدالبهاء)

دعا و تعمق و تأمل عوامل مهمّی برای ترقّی حیات روحانی فرد است ولی باید با عمل و رفتار نیز توأم باشد زیرا این از نتایج محسوسه دعا است. دعای توأم با تعمق و عمل هر دو ضروری است.

[۵۰] (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۵ مه ۱۹۴۴ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا)

حضرت مولی الوری فرموده‌اند که نزول هدایت مفتوح شدن ابواب بعد از سعی و کوشش ما است. ما می‌توانیم دعا کنیم، بخواهیم که فقط بر وفق اراده خدا عمل نماییم، با تمام قوا بکوشیم، و سپس اگر دریابیم که نقشه ما عملی نمی‌شود، باید فرض کنیم که حدّ اقلّ برای آن زمان، نقشه درستی نیست.

[۵۱] (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۹ اکتبر ۱۹۵۲ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا)

وقتی شخصی به امر مبارک ایمان می‌آورد آنچه در حقیقت اتفاق می‌افتد این است که بذری روحانی در روح او شروع به رشد می‌کند. این بذر باید با فیوضات روح القدس آبیاری شود. این مواهب روحانی از طریق دعا، تعمق و تأمل، و مطالعه بیانات مقدسه الهیه و خدمت به امر الله حاصل می‌گردد. حقیقت مطلب این است که خدمت به امر الهی مانند خیش است که وقت کاشتن بذر خاک را شخم می‌زند. شخم زدن برای تقویت و حاصل‌خیز شدن زمین لازم است تا موجب رشد بذر شود. عیناً به همین نحو، تکامل و تعالی روح نیز از طریق شخم زدن ارض قلب حاصل می‌شود تا فیوضات روح القدس را مستمراً منعکس نماید. بدین طریق روح انسان با سرعت تمام رشد و تعالی می‌یابد.

[۵۲] (ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۶ اکتبر ۱۹۵۴ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا)

احبّا برای کسب هدایت باید با حالت دعا و تعمق و تأمل به درگاه الهی توجه نمایند، تعالیم بهائی را مطالعه کنند و سپس قیام به عمل نمایند. دعا و تعمق و تأمل و مطالعه بدون عمل بی‌ارزش است؛ عمل نیز باید با این فرایض دیگر حمایت شود چه که همه موجب تقویت روح و تعالی ذهن است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۳۰ مه ۱۹۵۶ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به حضرات ایادی)

[۵۳] امر الله در آسیا)

حضرت ولی محبوب امر الله مکرراً تأکید فرموده‌اند که برای تبلیغ مؤثر امر الهی فرد باید کلام الهی را عمیقاً مطالعه کند، آب حیات‌بخشش را بنوشد، و از مائده تعالیم پرچالش متنعم گردد. سپس به تعمق و تأمل در معانی کلام الهی پرداخته

اعماق روحانی آن را دریابد و برای کسب هدایت و تأیید به دعا و مناجات پردازد. ولی بعد از دعا مهم‌ترین چیز اقدام به عمل است. بعد از مناجات و تعمق و تأمل فرد باید با اعتماد کامل به هدایت و تأیید جمال مبارک، به تبلیغ قیام نماید. پشت‌کار و استقامت در عمل به مانند حکمت و شجاعت برای تبلیغ مؤثر امر الله ضروری است. فرد باید همه چیز را برای این هدف مهم فدا نماید سپس فتوحات حاصل خواهد شد.

(ترجمه‌ای از نامه ۳۰ مه ۱۹۵۶ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به حضرات ایادی امر الله)

[۵۴]

در ایالات متحده آمریکا)

باید تعمق و تأمل برای یافتن مناسب‌ترین روش عمل و سپس نفس عمل را به دنبال داشته باشد. حتی اگر اقدام به عمل نتیجه فوری به بار نیاورد و یا کاملاً درست نباشد اهمیت زیادی ندارد زیرا دعا تنها از طریق عمل مستجاب می‌شود و اگر عمل فردی اشتباه باشد خالق متعال می‌تواند از آن طریق راه صحیح را نشان دهد. بنا بر این، شما و دیگر اعضای محفل ... باید با جدیت به تبلیغ امر الله قیام نمایید. مشاهده خواهید نمود که در این راه هدایات و تأییدات شامل حال شما خواهد شد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۲ اوت ۱۹۵۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احباب) [۵۵]

صلوة

در باره صلوة که آنحضرت ذکر فرموده بودید فی الحقیقه هر نفسی خالصاً لوجه الله قرائت نماید جمیع اشیا را جذب کند و عالم وجود را حیات تازه بخشد یسئل الخادم ربّه بان یمدّ اولیائه علی ما یخلّصهم من حوادث الدنیا و شئوناتها و کدوراتها و ظلّمتها و یزینهم بما یقرّبهم الیه فیکلّ الاحوال أنّه هو الغنی المتعال.^۲

[۵۶]

(از الواح حضرت بهاءالله)

صلوة فرض و واجب است زیرا سبب خضوع و خشوع و توجّه و تبیل الی الله است انسان در صلوة با خدا مناجات کند و تقرّب جوید و با معشوق حقیقی خویش گفتگو نماید بواسطه صلوة مقامات روحانیّه حاصل گردد.

[۵۷]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

اعلمی أنّ فی کلّ کلمة و حركة من الصلوة لاشارات و حکمة و اسرار تعجز البشر عن ادراکها و لا تسع المکاتیب و الأوراق.

[۵۸]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

در مورد سؤال شما راجع به تلاوت "مناجات" که به درخواست محفل روحانی لندن به حضور حضرت ولی‌امرالله تقدیم نموده‌اید، آن حضرت مایلند ابتدا نظر شما را به این حقیقت جلب نمایند که تفاوتی اساسی بین "نماز" و "مناجات" موجود است. نماز حکمی است که حضرت بهاءالله فرض و واجب فرموده‌اند و ادای آن باید در خلوت و بر اساس اوامر قطعی نازل آن حضرت در کتاب مستطاب اقدس صورت گیرد در حالی که مناجات نه اجباری است و نه نحوه مشخصی برای تلاوت آن موجود است. لذا گرچه یاران مختارند که برای تلاوت "مناجات" طبق تمایلات خود عمل نمایند ولی باید بسیار مراقب باشند که هر طریقی را که اتخاذ می‌نمایند حالت تصلّب پیدا نکند و به صورت آداب مرسومه در نیاید.

این نکته‌ای است که احبّا باید همیشه در نظر داشته باشند، مبدا از طریق واضح ارائه شده در تعلیم مبارکه منحرف گردند.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۵ اکتبر ۱۹۳۴ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۵۹]

... تأثیر نماز به لحاظ ماهیتش شدیدتر است و قدرت بیشتری از سایر ادعیه و مناجات‌های نازله دارد، و لذا امری اساسی است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۴ ژانویه ۱۹۳۶ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۶۰]

دستورالعمل‌های مربوط به نماز مانند شستن دست و صورت، رکوع، و قنوت صریحاً توسط حضرت بهاء‌الله مقرر گردیده و لهذا مؤمنین علی‌الخصوص جوانان بهائی که وظیفه عمده دفاع از مبانی و حقایق امر الله و حفظ اصالت حدود و احکام این امر اعظم بر دوش‌شان گذاشته شده باید آنها را مطمئناً و تماماً اجرا نمایند.

سه نماز داریم. کوتاه‌ترین نماز، صلات صغیر شامل یک آیه است که باید روزانه یک بار در فاصله ظهر تا غروب آفتاب تلاوت شود. صلات وسطی که با کلمات "شهد الله انه لا اله الا هو" شروع می‌شود باید سه مرتبه در روز — صبح، ظهر و هنگام غروب — تلاوت شود. این نماز با حرکات و آداب خاصی همراه است. صلات کبیر که مفصل‌ترین سه نماز است و باید فقط یک بار در هر بیست و چهار ساعت و هر وقت که شخص گرایش آن را دارد، ادا شود.

فرد مؤمن کاملاً مختار است که هر یک از سه نماز را انتخاب کند ولی ملزم به ادای یکی از آنها و با رعایت دستورالعمل‌های خاص آن می‌باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۰ ژانویه ۱۹۳۶ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به محفل روحانی

ملّی ایالات متّحده امریکا و کانادا) [۶۱]

در خصوص ادای صلوٰة در مشرق الاذکار سؤال نموده بودید فرمودند بنویس "نماز در مشرق الاذکار ممنوع نه ولی یاران مکلف و مجبور بادای صلوٰة در معبد نبوده و نیستند نماز جماعت ممنوع بجز صلوٰة میت تعیین محلّ و کیفیت صلوٰة در مشرق الاذکار از امورات متفرّعه محسوب و راجع بمحفل مقدّس آئندینه است".

(نامه مورّخ ۳۰ ژانویه ۱۹۳۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۶۲]

حضرت ولی‌امرالله علی‌الخصوص پیروی صادقانه شما از اوامر حضرت بهاء‌الله راجع به تلاوت نماز را و اینکه سرمشقی عالی برای جوانان بهائی شده‌اید تقدیر می‌فرمایند. این نمازها مشحون از قوای روحانی خاصی می‌باشد که فقط افرادی که آنها را مرتباً ادا می‌کنند قادر به درک کامل آن هستند. بنا بر این، احبّای الهی باید جهد نمایند که تحت هر شرایط و کیفیت خاص زندگی خود، روزانه از تلاوت این نمازها متنعم گردند.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۳ فوریه ۱۹۳۹ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۶۳]

راجع به سؤال شما در خصوص سه نماز: فرد بهائی مکلف نیست که هر سه نماز را روزانه تلاوت نماید ولی باید یکی از آنها را انتخاب نماید و همچنین باید در ادای آن، دستورالعمل‌هایی را مانند رکوع و سجود و قنوت که توسط حضرت

بهاءالله نازل گردیده دقیقاً پیروی کند. کسانی که به علل مختلفه خصوصاً بیماری و یا نقص جسمانی قادر نیستند این دستورات را رعایت کنند مرجح است که صلات صغیر را که بسیار ساده است انتخاب نمایند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۷ دسامبر ۱۹۳۹ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۶۴]

هیكل مبارک توصیه می‌فرماید که شما فقط صلات صغیر را تلاوت نمایید. ادای این صلات شامل رکوع و سجود و قعود و قنوت نیست و تنها شرط ادای آن توجّه فرد مؤمن در حین تلاوت به روضه مبارکه در عکّا می‌باشد. این توجّه نشانی ظاهری از یک توجّه باطنی است. درست همانطور که گیاه جهت حیات و رشد خود به طرف نور آفتاب متمایل است، ما هم در احیان دعا و مناجات قلوبمان را به مظهر الهی، جمال اقدس ابهی متوجّه می‌سازیم و در حین ادای این دعای کوتاه توجّه ظاهری به تربت مقدّسش را در عالم خاک رمزی از توجّه باطنی خود می‌شماریم. حضرت بهاءالله تشریفات و رسوم مذهبی در آیین الهی را به حدّ اقلّ ممکن تقلیل داده‌اند. تعداد کم رسوم موجود مانند آنچه مرتبط به دو نماز بزرگتر است صرفاً نشانه‌هایی از توجّه باطنی می‌باشد. در این مراسم، حکمتی و موهبت عظیمی نهفته است ولیکن ما نمی‌توانیم خود را مجبور به درک یا احساس این امور نماییم و به همین علّت است که آن حضرت نماز بسیار کوتاه و ساده‌ای را هم برای افرادی که تمایلی به اجرای حرکات مربوط به دو نماز دیگر ندارند به ما عنایت فرموده‌اند.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۲۴ ژوئن ۱۹۴۹ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۶۵]

در خصوص سؤالاتی راجع به ادای صحیح صلات کبیر: کلّیه آثار امری را می‌توان و باید به منظور هدایت و الهام مطالعه کرد. این مطالعه شامل ادعیه‌های خاصّ هم می‌باشد. اگر یکی از احبّا به علت نقص جسمانی قادر به انجام رکوع و سجود و قعود و قنوتی که لازمه ادای صلات وسطی و کبیر است نباشد و در عین حال مشتاق به ادای آن صلات باشد، می‌تواند [بدون انجام حرکات] به ادای نماز بپردازد. منظور از نقص جسمانی، ناتوانی واقعی جسمانی است که صحتّ آن مورد تأیید پزشک قرار گرفته باشد.

(ترجمه‌ای از نامه مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۵۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به محفل روحانی

محلی لس‌آنجلس، کالیفرنیا) [۶۶]

لذا به این نتیجه رسیده‌ایم که امری بسیار مهمّ و ضروری برای جمیع احبّای الهی آنست که آگاهی خود را از مواهب مبذوله آن احکام الهی که مستقیماً زندگی نیایشی فرد و در نتیجه حیات جامعه را تقویت می‌کنند افزایش دهند. همه بهائیان مبانی این احکام را می‌دانند اما کسب بینش بیشتر در اهمّیت آنها باید شامل اجرای تمام جنبه‌های بجا آوردن آنها به نحو نازله در آثار الهی باشد، احکامی که به نماز، روزه و ذکر نود و پنج مرتبه 'الله ابهی' در هر روز مربوط می‌شوند.

حضرت بهاءالله می‌فرماید "انسان بیهمل و عبادت بمثابه شجر بی‌ثمر و عمل بی‌اثر است هر نفسی لذّت عبادت را یافت او یک عمل و یک ذکر را بآنچه موجود است تبدیل نمی‌نماید صوم و صلوة دو جناحند از برای وجود طوبی لمن طار بهما فی هوآء محبّه الله ربّ العالمین".

(ترجمه‌ای از پیام مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۶۷]

خصلت نیایش و عبادت در جامعه بهائی

ان اجتماعوا بالروح و الروحان ثم اتلوا آيات الرحمن بها تفتح على قلوبكم ابواب العرفان اذا تجدوا انفسكم على استقامة و تروا قلوبكم فى فرح مبین.

[۶۸] (از الواح حضرت بهاءالله)

از معابد سؤال نموده بودید که حکمتش چیست حکمتش این است که در وقت معلوم نفوس وقت اجتماع را بدانند و کل مجتمع گردند و جمیع بالاتحاد بمناجات پردازند تا از این اجتماع الفت و اتحاد در قلوب ازدیاد یابد.

[۶۹] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۵۸)

الحمد لله شما باعمال قول خویش را ثابت نمودید و بتأییدات الهیه موفق شدید و اطفال بهائی را جمع نموده در بامداد تعلیم مناجات میدیدید این عمل بسیار مقبول و سبب سرور قلوب که آن اطفال هر صبح توجه بملکوت نموده بذکر حق مشغول گردند و در نهایت ملاحظت و حلاوت مناجات کنند.

آن اطفال بمثابه نهالند و این تعلیم و مناجات مانند باران که طراوت و لطافت بخشد و بمثابه نسیم محبت الله که باهتزاز آرد.

[۷۰] (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۱۱۵)

فی الحقیقه علت اصلی شرارت‌هایی که حال در اجتماع شایع است، فقدان معنویت و روحانیت می‌باشد. تمدن مادی عصر ما نیرو و توجه بشر را چنان به خود معطوف داشته که مردمان عموماً دیگر لزوم فراتر رفتن از قوا و شرایط حیات مادی روزانه را احساس نمی‌کنند. طلب و تقاضای کافی برای آنچه که باید معنویات و روحانیات بنامیم و آنها را از الزامات و احتیاجات حیات جسمانی خود متمایز سازیم وجود ندارد. بنا براین بحران‌های عمومی که امروزه گریبان‌گیر نوع بشر است اساساً علل روحانی دارد. وجهه عالم و روح عصر حاضر به طور کلی لامذهبی است. دید بشر نسبت به زندگی به قدری خام و مادی است که نمی‌تواند او را قادر به ارتقا به عوالم متعالی روحانی سازد.

این است آن شرایط تیره و اسف‌باری که اجتماع را احاطه کرده و دین الهی در صدد بهبود و تقلیب آن است. زیرا اساس اعتقاد دینی آن احساس معنوی است که خلق را با حق مرتبط می‌سازد. این ارتباط روحانی را می‌توان از طریق دعا و تفکر به وجود آورد و حفظ نمود. به این علت است که حضرت بهاءالله بر اهمیت دعا و مناجات شدیداً تأکید فرموده‌اند. تنها قبول و عمل به موجب تعالیم الهی کافی نیست. فرد مؤمن باید مضافاً احساسات روحانی را در خود پرورش دهد، احساسی که عمده‌تاً می‌تواند از طریق دعا و مناجات کسب کند. بنا بر این، خصیصه دیانت بهائی همچون تمام ادیان الهی دیگر، اساساً معنوی است. هدف اصلی‌اش پرورش فرد و پیشرفت اجتماع از طریق کسب فضایل و قوای روحانی است. ابتدا روح انسان است که باید پرورش یابد و بهترین راه این پرورش روحانی دعا و مناجات است. احکام و شرایع طبق دیدگاه حضرت بهاءالله تنها وقتی حقیقتاً مؤثر خواهد بود که حیات روحانی درونی ما تقلیب شده به کمال رسیده باشد. و گرنه دین به حدّ یک سازمان تنزل یافته جسمی مرده می‌شود.

لذا احبای الهی خصوصاً جوانان باید لزوم عبادت را به خوبی دریابند زیرا دعا و مناجات برای رشد روحانی آنان قطعاً ضروری و همانطور که ذکر شد اساس و هدف دین الهی است.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۸ دسامبر ۱۹۳۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء) [۷۱]

... شکوفایی جامعه به خصوص در سطح محلی نیاز به بهبود قابل ملاحظه‌ای در الگوهای رفتار دارد.... این شکوفایی شامل نیایش جمعی پروردگار است. از اینرو، برگزاری جلسات مرتّب دعا، در صورت امکان در حظیرةالقدس‌های محلی و در غیر این صورت در اماکن دیگر از جمله در منازل احبّاء، برای حیات روحانی جامعه ضروری است.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۷۲]

رشد روحانی منبعت از عبادت فردی از طریق روابط محبت‌آمیز بین احبّاء در هر محل و با عبادت جمعی جامعه و با خدمت به امر الله و به هم‌نوعان تقویت می‌گردد. این جنبه‌های گروهی حیات معنوی مرتبط به حکم مشرق‌الاذکار است که در کتاب اقدس نازل شده است.... برگزاری جلسات مرتّب دعا که به روی عموم باز است و مشارکت جوامع بهائی در پروژه‌های خدمات بشردوستانه تجلیاتی از این عنصر حیات بهائی و گامی دیگر در جهت اجرای حکم پروردگار عالمیان است.

(ترجمه‌ای از پیام مورّخ ۲۸ دسامبر ۱۹۹۹ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۷۳]

هزاران هزار نفوس که نمایان‌گر تنوع نوع بشر هستند در محیطی جدی و در عین حال روح‌افزا به مطالعه سیستماتیک آیات خلافة الهیّه مشغولند. در حالی که می‌کوشند تا بینشی را که بدین‌سان کسب کرده‌اند از طریق فرایندی متشکّل از عمل، تفکر و مشورت به کار بندند، مشاهده می‌کنند که قابلیت‌شان برای خدمت به امر الهی به سطح تازه‌ای افزایش می‌یابد. این نفوس در شرایط گوناگون، در پاسخ به آن اشتیاق قلبی که هر انسان برای راز و نیاز با خالق خود دارد به عبادت همگانی قیام می‌نمایند، در دعا و مناجات به دیگران می‌پیوندند، استعدادهای روحانی را بیدار می‌کنند و روشی از زندگی را در پیش می‌گیرند که به خصیصه نیایش و عبادت متمایز است.

(ترجمه‌ای از پیام رضوان ۲۰۰۸ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان) [۷۴]

دعوت این مشتاقان از بهائیان آن است که مساعی جامعه‌سازی را که با پشت‌کار به آن مشغولند به منزله الگوی جدیدی از نحوهٔ اجتماع نوع انسان مشاهده نمایند.... از جمله اجزای اساسی این الگو جلسات دعا و مناجات می‌باشد که جنبه‌ای جمعی از حیات روحانی و ابعادی از مفهوم مشرق‌الاذکار است. تشکیل این جلسات فرصت گران‌بهایی برای شما عزیزان فراهم می‌سازد تا نه تنها به نیایش و ستایش پروردگار یکتا پرداخته عنایات او را در زندگی خود سائل شوید بلکه قوای روحانی نهفته در دعا و مناجات را با دیگر شهروندان شریف آن آب و خاک نیز در میان گذارید، پاکی و اصالت نیایش را به آنان بازگردانید، موجب افزایش ایمان و اطمینان به تأییدات الهی در قلوب هم‌وطنان عزیزتان شوید، انگیزه خدمت به اجتماع، به وطن و به نوع بشر را در خود و در آنان قوی‌تر سازید و مشوّق استقامت سازنده در راه عدالت و انصاف گردید.

دوستان عزیز و محبوب، جلسات دعا و مناجات در آن سرزمین مقدّس، در هر شهر، در هر محله، و در هر ده و قصبه، و دسترسی بیشتر دوستان و آشنایان به مناجات‌های بهائی، شما عزیزان را قادر می‌سازد تا بیش از پیش با برادران و خواهران روحانی خود در سراسر عالم در انتشار نور اتحاد سهیم باشید. پس بدین‌سان و تا سر حدّ امکان بکوشید و بذریع مشارق اذکار آینده و ملحقّات عالم المنفعه‌اش را بیافشانید و هزاران هزار شمع نورانی در مقابل تاریکی ظلم و عدوان برافروزید.

(پیام مورّخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴ بیت العدل اعظم خطاب به احبّای ایران) [۷۵]

پی‌گیری سیستماتیک نقشه در همه ابعادش موجب پیدایش الگویی از تلاش جمعی است که از جمله ویژگی آن نه فقط تعهد به خدمت بلکه گرایش به عبادت و نیایش می‌باشد. شدت یافتن فعالیت‌های لازم در پنج سال آینده جنبه نیایشی حیات را در بین کسانی که در محدوده‌های جغرافیایی در سراسر جهان دوش به دوش یکدیگر خدمت می‌کنند غنی خواهد ساخت. این فرایند غنی‌سازی هم‌اکنون بسیار پیشرفته است. ملاحظه فرمایید که به عنوان مثال جلسات نیایش و دعا چگونه جزئی جداناپذیر از حیات جامعه شده است. جلسات دعا فرصتی است که هر فردی می‌تواند با ورود به آن از نفحات روحانی مستفیض گردد، حلاوت دعا را تجربه نماید، در کلام خلاق الهی تأمل کند و با بال و پر روح پرواز نموده به راز و نیاز با محبوب یکتا پردازد. در این جلسات است که احساس دوستی و هم‌دلی ایجاد می‌شود به خصوص ضمن گفتگوهای متعالی روحانی که طبعاً در چنین مواقعی پیش می‌آید و از طریق آن «مداین قلوب» فتح می‌شود. با تشکیل جلسه‌ای برای دعا که در آن بزرگ‌سالان و کودکان از هر پیشینه‌ای می‌توانند شرکت کنند، روح مشرق‌الاذکار در محله تجلی می‌نماید. گسترش خصلت دعا در یک جامعه بر ضیافت نوزده‌روزه اثر می‌گذارد و در دیگر اوقاتی که دوستان دور هم جمع می‌شوند نیز احساس می‌گردد.

(ترجمه‌ای از پیام مورخ ۲۹ دسامبر ۲۰۱۵ بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین
قاره‌ای)

[۷۶]

ملاحظات دیگر

دعا و شفا

انظری عند مناجاتک الی الله و تلاوتک (اسمک شفائی) کیف یهتّز قلبک و یترنّج روحک من روح محبّه الله و ینجذب فؤادک الی ملکوت الله فیهذه الانجذابات تزداد السّعة و الاستعداد و اذا اتّسع الاناء زاد الماء و اذا زاد العطش عذب فی ذوق الانسان فیض الغمام هذا سرّ المناجات و حکمة طلب الحاجات.

(از بیانات حضرت عبدالبهاء)

[۷۷]

ای امة الله استجابت دعا بواسطه مظاهر کلیّه الهیه است اما بجهت حصول امور جسمانی غافلان نیز اگر تضرّع و ابتهال نمایند و تضرّع بخدا کنند باز تأثیر نماید.

...

ای امة الله مناجاتهای که بجهت طلب شفا صادر شده شامل شفای جسمانی و روحانی هر دو بوده لهذا بجهت شفای روحانی و جسمانی هر دو تلاوت نمائید اگر مریض را شفا مناسب و موافق البتّه عنایت گردد ولی بعضی از مریضها شفا از برایشان سبب ضررهای دیگر شود اینست که حکمت اقتضای استجابت دعا ننماید.

ای امة الله قوّه روح القدس امراض جسمانی و روحانی هر دو را شفا دهد.

(منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱، شماره ۱۳۹)

[۷۸]

روح قوّه نافذه دارد؛ دعا و مناجات تأثیرات روحانی دارد. بنا بر این دعا می‌کنیم که ”خدایا این مریض را شفا بخش“ شاید خداوند اجابت نماید، آیا اینکه چه کسی دعا می‌کند مهمّ است؟ خداوند دعای هر بنده را اجابت خواهد کرد اگر آن دعا اضطراری باشد. رحمت الهی وسیع و بی‌منتها است. او دعای همهٔ بندگان را اجابت می‌کند. او دعای این گیاه را اجابت می‌کند. این گیاه بالقوّه دعا می‌کند که ”خدایا برایم باران بفرست“، خداوند دعا را اجابت می‌کند و گیاه رشد می‌کند. خداوند دعای هر کسی را اجابت خواهد کرد.

(ترجمه‌ای از خطابهٔ حضرت عبداله‌اء که اصل آن به فارسی موجود نیست) [۷۹]

نهایتاً ارادهٔ الهی که برای ما مقدّر داشته تحقّق خواهد یافت، امّا به ما اطمینان داده شده است که دعا برای بیمار مؤثر است و اغلب مستجاب می‌شود. اگرچه اجابت آن ممکن است به طول انجامد ولی ما باید ایمان داشته باشیم.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۸ نوامبر ۱۹۳۱ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء) [۸۰]

حضرت ولی‌امرالّله از خبر بهبودی کامل شما و اشتغال مجدّدتان به خدمات مهمّ امری بسیار مسرور شدند. ولی شما نباید از صحّت خود غافل شوید بلکه آن را وسیله‌ای بدانید که شما را قادر به خدمت می‌سازد. جسم انسان بمنزلهٔ اسب یا مرکوبی است که روح و شخصیت فرد را حمل می‌کند. پس باید از جسم به خوبی مراقبت نمود تا بتواند وظیفه‌اش را انجام دهد. شما باید حتماً از اعصاب‌تان مراقبت نمایید و خود را وادار کنید که زمانی را نه تنها برای دعا و تعمّق و تأمل بلکه برای استراحت واقعی و آرامش اختصاص دهید. برای کسب روحانیت لزومی ندارد ساعت‌ها به دعا و تعمّق و تأمل پردازیم.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۳ نوامبر ۱۹۴۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء) [۸۱]

حضرت ولی‌امرالّله از اینکه ادعیهٔ دوستان چنین اثر مفیدی در شفای آقای ... داشته است مسرورند. دعا مرقاتی است که به وسیلهٔ آن روح به عوالم روحانی ارتقا می‌یابد. دعا پیوندیست با عوالم روحانی و اگر با خلوص حقیقی ادا شود، قوای روحانی را برای نصرت احبّاء در این عالم جلب می‌نماید.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۸ مارس ۱۹۵۳ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء) [۸۲]

اهمّیت حفظ نمودن آثار

کلمات مکنون را از بر نمائیم و وصایای حضرت بیچونرا عمل نمائیم و رفتار و کرداری نمائیم که سزاوار نسبت باستان مقدّس است و شایان عبودیت درگاه احدیت.

(از الواح حضرت عبداله‌اء) [۸۳]

چون بکلی دل تعلق بحق یابد یقین است که اکتساب معارف الهیه کنید و دلائل و براهین را استماع نمائید و بشارات جمال رحمانی را که در کتب آسمانیست حفظ نمائید آنوقت ملاحظه خواهید کرد که بجهت تأییدی مؤیّد و بجهت توفیقی موفّق.

(از الواح حضرت عبداله‌اء) [۸۴]

حضرت ولی‌امرالّله از اینکه به مطالعهٔ کتب بهائی مشغول شده‌اید واقعاً خوشنود شدند و به شما توصیه می‌فرمایند جهد نمایند فقراتی از آثار حضرت بهاءالله علی‌الخصوص بعضی از مناجات‌های مبارک را حفظ کنید. چنین تعلیمی بی‌تردید به مطالعات آیندهٔ شما در امر مبارک و نیز به تعمیق و استغنائی حیات روحانی شما کمکی شایان خواهد نمود.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۰ آوریل ۱۹۳۹ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۸۵]

مرکز توجّه در عبادات

در حین دعا بهتر است افکار فرد به سوی مظهر ظهور الهی متوجّه گردد زیرا که او در عالم بعد نیز همچنان واسطه ارتباط ما با قادر متعال می‌باشد. ولیکن ما می‌توانیم مستقیماً هم به سوی خدا دعا کنیم.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۷ آوریل ۱۹۳۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به محفل روحانی

ملّی هندوستان و برمه) [۸۶]

سؤال نموده‌اید که آیا ادعیه ما به عالمی ماورای حضرت بهاءالله نیز واصل می‌شود: بستگی به این دارد که آیا ما مستقیماً به سوی آن حضرت دعا می‌کنیم یا ادعیه ما به واسطه آن حضرت و به سوی خداوند متعال است. هر دو را ما می‌توانیم انجام دهیم و همچنین می‌توانیم مستقیماً به سوی خدا دعا کنیم. امّا ادعیه ما یقیناً مؤثّرتر و روح‌افزاتر خواهد بود اگر به سوی خداوند از طریق حضرت بهاءالله که مظهر ظهور اوست باشد.

امّا نمی‌توانیم تحت هیچ شرایطی در حین تلاوت دعا نام حضرت بهاءالله را به جای کلمه «خدا» به کار ببریم. چنین عملی بمثابه کفر است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۴ اکتبر ۱۹۳۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۸۷]

در خصوص سؤال شما: ما نباید در باره دعا انعطاف‌ناپذیر باشیم؛ مقرّرات خاصّی حاکم بر تلاوت دعا و مناجات نیست؛ مهمّ اینست که با درک صحیحی از مفهوم خدا، مظهر ظهور الهی، حضرت مولی الوری و حضرت ولی‌امرالله شروع کنیم — در هنگام دعا می‌توانیم فکر خود را به سوی هر یک متوجّه سازیم. به عنوان مثال، شما می‌توانید برآوردن حاجتی را از حضرت بهاءالله بطلبید یا به آن حضرت توجّه کرده از خدا آن حاجت را طالب شوید. این مثال در باره حضرت مولی الوری و حضرت ولی‌امرالله نیز صادق است. می‌توانید در فکر خود به هر یک توجّه نموده شفاعت‌شان را مسئلت نمایید و یا مستقیماً به سوی خدا دعا کنید. به شرطی که در شناخت مقام هر یک مرتکب اشتباه نگردید و همه را مساوی تلقّی ننمایید، تفاوت بسیاری نمی‌کند که توجّه‌تان را به کدام یک معطوف دارید.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۴۶ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۸۸]

اگر لازم می‌بینید که در هنگام دعا نفسی را در خاطر مجسّم کنید به حضرت مولی الوری توجّه کنید. از طریق آن حضرت می‌توانید متوسّل به حضرت بهاءالله گردید. متدرّجاً سعی کنید در مورد خصایص مظهر ظهور الهی تأمل نمایید و از این طریق تصویری ذهنی زایل خواهد شد چه که در حقیقت جسم مطرح نیست روح آن حضرت حیّ و حاضر و اسّ اساس و جوهر سرمدی است.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۳۱ ژانویه ۱۹۴۹ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّا) [۸۹]

... نفثات روح القدس از طریق ارواح مظاهر الهی به ما می‌رسد. ما باید طریق ارتباط با آن ارواح مقدّسه را بیاموزیم و این به نظر می‌رسد همانست که شهدا انجام دادند و آنچنان جذب و سروری برایشان به ارمغان آورد که زندگی در نزدشان هیچ شد. این است عرفان حقیقی و راز و معنای باطنی زندگی که در حال حاضر نوع بشر بسیار از آن منحرف شده است.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۰ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به محفل روحانی)

محلی منچستر، انگلستان [۹۰]

در مورد سؤال شما: البتّه حضرت بهاءالله نه خدا هستند و نه خالق؛ ولی ما از طریق آن حضرت می‌توانیم به شناسایی خداوند نائل گردیم و به خاطر مقام ”واسطه الهی“ است که عرفان آن حضرت (یا سایر انبیا) تنها حدّ شناسایی است که ما هرگز خواهیم توانست از آن ذات نامتناهی یعنی خداوند متعال داشته باشیم. بدین ترتیب است که در حین دعا توجّه خویش را به آن حضرت و یا به وسیلهٔ آن حضرت به آن ذات نامتناهی که پشتیبان و فراتر از اوست معطوف می‌نماییم.

(ترجمه‌ای از نامهٔ ۴ ژوئن ۱۹۵۱ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء) [۹۱]

ما نباید آن طور به سوی حضرت ولیّ امرالله دعا کنیم که به سوی خداوند دعا می‌کنیم؛ به هر نفسی که در حین دعا توجّه می‌کنیم باید درک صحیحی از مقامش داشته باشیم: حضرت بهاءالله به عنوان مظهر کلی الهی، حضرت عبدالبهاء به عنوان مثل اعلی و مرکز میثاق الهی و حضرت ولیّ امرالله برحسب وظایف توصیف شده در بارهٔ ایشان در الواح وصایای حضرت مولی الوری. احبّای الهی تنها لازم است آثار مقدّسه را بخوانند که شامل همهٔ پاسخ‌هاست؛ ما در این آیین کشیش نداریم که برای‌مان تفسیر کند یا پاسخ بدهد.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۳ آوریل ۱۹۵۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء) [۹۲]

بیانات دیگر

ثمّ اجعلنی یا الهی من الذّین ما شغلهم شیءٌ عن زیارة جمالک و التّفکّر فی بدایع صنع ازلیتک حتّی لا استأنس باحد دونک و لا التفت الی نفس سواک و لا اری فی شیءٍ عمّا خلّفته فی ملکوت ملک السّموات و الارض الاّ بدیع جمالک و ظهور انوار وجهک و استغرق فی طماطم سلطان ربوبیتک و یمایم قدس احدیتک علی مقام الذّی انسی کلّ الذاکر دون اذکار عزّ هویتک و اغفل عن کلّ الاشارات یا من یدک جبروت الاسماء و الصّفات.

(مجموعه‌ای از اذکار و ادعیهٔ حضرت بهاءالله، شمارهٔ ۱۸۴) [۹۳]

علّموا ابنائکم لیقرؤوا آیات الله بالعشّی و الاشراف قد کتب الله لکلّ اب تربیة اولاده من الذّکر و الأنثی بالعلم و الآداب ثمّ الصّناعة و الاقتراف.

(از الواح حضرت بهاءالله) [۹۴]

عبادت کن خدا را بشأنیکه اگر جزای عبادت تو را در نار برد تغییری در پرستش تو او را بهم نرسد و اگر در جنت برد هم‌چنین زیرا که این است شأن استحقاق عبادت مر خدا را وحده و اگر از خوف عبادت کنی لایق بساط قدس الهی نبوده و نیست و حکم توحید نمیشود در حقّ تو و هم‌چنین اگر نظر در جنت کنی و برجاء آن عبادت کنی شریک گردانیده‌ئی خلق خدا را با او اگرچه خلق محبوب او است که جنت باشد.

(منتخبات آیات از آثار حضرت نقطهٔ اولی) [۹۵]

سزاوار است که عبد بعد از هر صلوة طلب رحمت و مغفرت نماید از خداوند از برای والدین خود که ندا میرسد من قبل الله که از برای تو است دو هزار و یک ضعف از آنچه طلب نمودی از برای والدین خود طوبی لمن یدکر ابویه بذکر ربّه

اِنَّهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْمَحْبُوْبُ.

[۹۶]

(منتخبات آیات از آثار حضرت نقطهٔ اولی)

پروردگارا در این دور اعظم شفاعت انباء را بجهت آباء قبول مینمائی این از خصائص الطاف بی‌پایان این دور است پس ای پروردگار مهربان رجای این بندهٔ خویش را در درگاه احدیت قبول فرما و پدر را در دریای الطاف مستغرق کن زیرا این پسر بخدمات تو قائم و در سبیل محبت همواره ساعی توئی بخشنده و آمرزگار و مهربان.

[۹۷]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

در خصوص اسباب و دعا سؤال نموده بودی دعا بمنزلهٔ روحست و اسباب بمنزلهٔ دست تصرفات روح بواسطهٔ دستست هرچند رازق حق است اما واسطهٔ حصول رزق ارض و فی السماء رزقکم^۲ زیرا چون رزق مقدّر گردد بهر سببی حصول یابد اما ترک اسباب مانند آنست که انسان تشنه بدون آب و سائر مایعات سیرابی طلبد معطی ماء و موجد ماء حضرت کبریاست و آنرا سبب تسکین عطش قرار داده ولی بسته باراده اوست اگر اراده او تعلّق نیابد مرض استسقا حاصل شود و دریا عطش را ساکن ننماید.

[۹۸]

(از الواح حضرت عبدالبهاء)

در مورد سؤال شما راجع به فراست فطری به عنوان یک منبع هدایت برای فرد: اعتقاد بلاشرط به قوای فراست فطری عاقلانه نیست ولی از طریق ادعیه روزانه و کوشش مستمر، فرد می‌تواند اراده الهی را احساس نماید ولی نه همیشه و نه به طور کامل. در هر حال در تحت هیچ شرایطی فرد نمی‌تواند قطعاً مطمئن باشد که به واسطهٔ فراست فطری خود قادر به تشخیص اراده الهی می‌باشد. اغلب چنین اتفاق می‌افتد که فراست فطری فرد حقیقت را کاملاً غلط جلوه داده بجای هدایت موجب خطا می‌گردد.

[۹۹]

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۹ اکتبر ۱۹۳۸ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از احبّاء)

... حضرت ولی‌ام‌الله توصیه می‌فرمایند که مرجّح است مادران اطفال بهائی یا لجنه‌ای مسئول و منتخب محفل شما، قسمت‌هایی از کلمات مقدّسه را انتخاب نمایند تا اطفال آن را بجای متنی که افراد تهیّه کرده‌اند استفاده نمایند. البته دعا می‌تواند کاملاً فی البداهه باشد ولی بسیاری از جملات و افکار موجود در آثار بهائی که جنبهٔ نیایش دارد به سهولت قابل درک است و کلمات نازله قدرت خاص خود را دارد.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۸ اوت ۱۹۴۲ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به محفل روحانی

[۱۰۰]

ملّی جزایر بریتانیا)

در سراسر جهان، چه در داخل و چه در خارج جامعهٔ امر، نیازی مبرم به بصیرتی روحانی است که بر حیات بشری پرتو افکند و مشوّق و الهام‌بخش آن گردد. هیچگونه دستورالعمل اداری و تمسّک به مقرّرات نمی‌تواند جانشین این خصیصهٔ روحانی گردد، روحانیتی که حقیقت ذاتی انسان است.

(ترجمه‌ای از نامهٔ مورّخ ۲۵ آوریل ۱۹۴۵ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از

[۱۰۱]

احبّاء)

... باید مراقب باشیم که با ورود افراد از ادیان و نژادهای مختلف در ظلّ امر الله رسوم مربوط به اعتقادات گذشته خودمان را به امر مبارک وارد ننماییم. حضرت بهاءالله نماز و همچنین ادعیه قبل از خواب و دعای سفر و غیره را به ما اعطا فرموده‌اند. ما نباید در حالی که آن حضرت تعداد زیادی دعا و مناجات برای موارد کثیری به ما ارزانی داشته‌اند مجموعه جدیدی از دعا که هیکل مبارک تعیین نفرموده‌اند بر آن بیافزاییم.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۴۷ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از

[۱۰۲]

احبّا)

[حضرت ولیّ امرالله] توصیه می‌فرمایند که شما علاوه بر فعّالیّت تبلیغی معمول خود نه تنها برای موقّعیّت کلی بلکه بالاخصّ برای آنکه خداوند نفوس مستعدّی را به سوی شما هدایت فرماید متضرّعانه دعا کنید. در هر شهری چنین نفوسی وجود دارند ولی یافتن و برقراری تماسی مناسب با آنان آسان نیست.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۸ مارس ۱۹۵۰ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به محفل

[۱۰۳]

روحانی محلّی پونتآ آرناس، شیلی)

در مورد سؤال شما راجع به دعا و این واقعیت که بعضی از مشکلات ما با دعا حل نمی‌شود، باید همیشه آگاه باشیم که زندگی وضعیّت‌های متعدّدی برای ما پیش می‌آورد که بعضی از آنها امتحاناتی است که از جانب خداوند برای پرورش خصایل ما فرستاده می‌شود، بعضی از آنها حوادث تصادفی است زیرا ما در عالم طبیعت زندگی می‌کنیم و در معرض حوادث غیر مترقّبه مانند مرگ و بیماری و غیره هستیم، و بعضی را هم خودمان با بی‌خردی، خودخواهی یا بعضی نقایص دیگر بشری برای خود پیش می‌آوریم.

صحیح نیست وقتی یکی از عزیزان ما فوت می‌کند و یا از بیماری شفا نمی‌یابد و یا مشکلی حل نمی‌شود، بگوییم که خداوند دعای ما را مستجاب نکرده و یا اینکه نحوه دعا و مناجات ما موجب شده که جواب مثبتی دریافت نکنیم. چه بسا آنچه برایش دعا کرده‌ایم مشمول اراده الهی نبوده و یا اینکه حادثه‌ای اتفاقی بوده که نتیجه‌ای محتمل مانند وفات، بیماری، ورشکستگی و یا غیره به بار آورده است.

همانطور که ذکر کرده‌اید در بعضی موارد اگرچه بهائیان فکر می‌کنند که براساس اراده الهی عمل می‌نمایند با وجود این ملاحظه می‌کنیم که نتایج حاصله بسیار بد است، بنا بر این باید بپذیریم که چنین افرادی خود را فریب می‌دهند تا باور کنند که تصمیمات و عمل‌شان بر اساس اراده الهی بوده است. تمام این نکات این مطلب را تأیید می‌کند که ما باید به درگاه الهی تضرّع نماییم ولی همیشه با این شرط که ما اراده او را بر اراده خویش ترجیح می‌دهیم. همچنین باید مطابق حدود و احکام آیین الهی زندگی کنیم زیرا هر چه بیشتر به احکام و تعالیمش پایبند باشیم، هر چه نمونه بهتری از مؤمنین امرش باشیم، مطمئن‌تر خواهیم بود که هدایتش را به میزان بیشتری دریافت می‌کنیم.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۸ مارس ۱۹۵۱ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یکی از

[۱۰۴]

احبّا)

حضرت ولیّ امرالله برای انبساط روح شما، بروز اسرار الهی، و نزول برکات روح القدس دعا خواهند فرمود. روح القدس است که حیات تازه عطا می‌نماید، و این را امروز به وفور می‌توان در آثار حضرت بهاءالله یافت. کلمات و تعالیم مبارکه

آن حضرت آب حیات و مایه رشد روحانی است. بنا بر این شما باید کلام الهی را به دقت مطالعه کنید، در معنا و مفهومی تعمق و تأمل نمایید، و تحت تأثیر از روح آن آثار، ذهن و قلب خود را با آن مؤانس سازید، آن وقت مسیر روشن خواهد شد و ابواب مفتوح خواهد گشت.

(ترجمه‌ای از نامه مورّخ ۱۱ ژوئن ۱۹۵۶ صادره از جانب حضرت شوقی افندی خطاب به یک گروه

[۱۰۵]

مطالعه بهائی در شهر کلمبوس، اوهایو)

[یادداشت‌ها]

۱ قرآن ۲۲:۵. ←

۲ این لوح به لحن کاتب حضرت بهاء‌الله، میرزا آقاخان، ملقب به خادم‌الله نازل شده است. احباً از نظر رعایت احترام به جای آنکه مستقیماً با حضرت بهاء‌الله مکاتبه نمایند، به میرزا آقاخان می‌نوشتند. پاسخ به صورت مرقومه‌ای از طرف میرزا آقاخان نوشته می‌شد که بیانات حضرت بهاء‌الله را نقل می‌نمود، اما در واقع کلمات تماماً توسط حضرت بهاء‌الله به وی گفته می‌شد. تمام این الواح حتی آن قسمت‌هایی که ظاهراً کلمات میرزا آقاخان به نظر می‌رسد، آثار مقدسه نازله توسط حضرت بهاء‌الله است. ←

۳ قرآن ۵۱:۲۲. ←

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دایرود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۶ نوامبر ۲۰۲۵، ساعت ۲:۰۰ بعد از ظهر